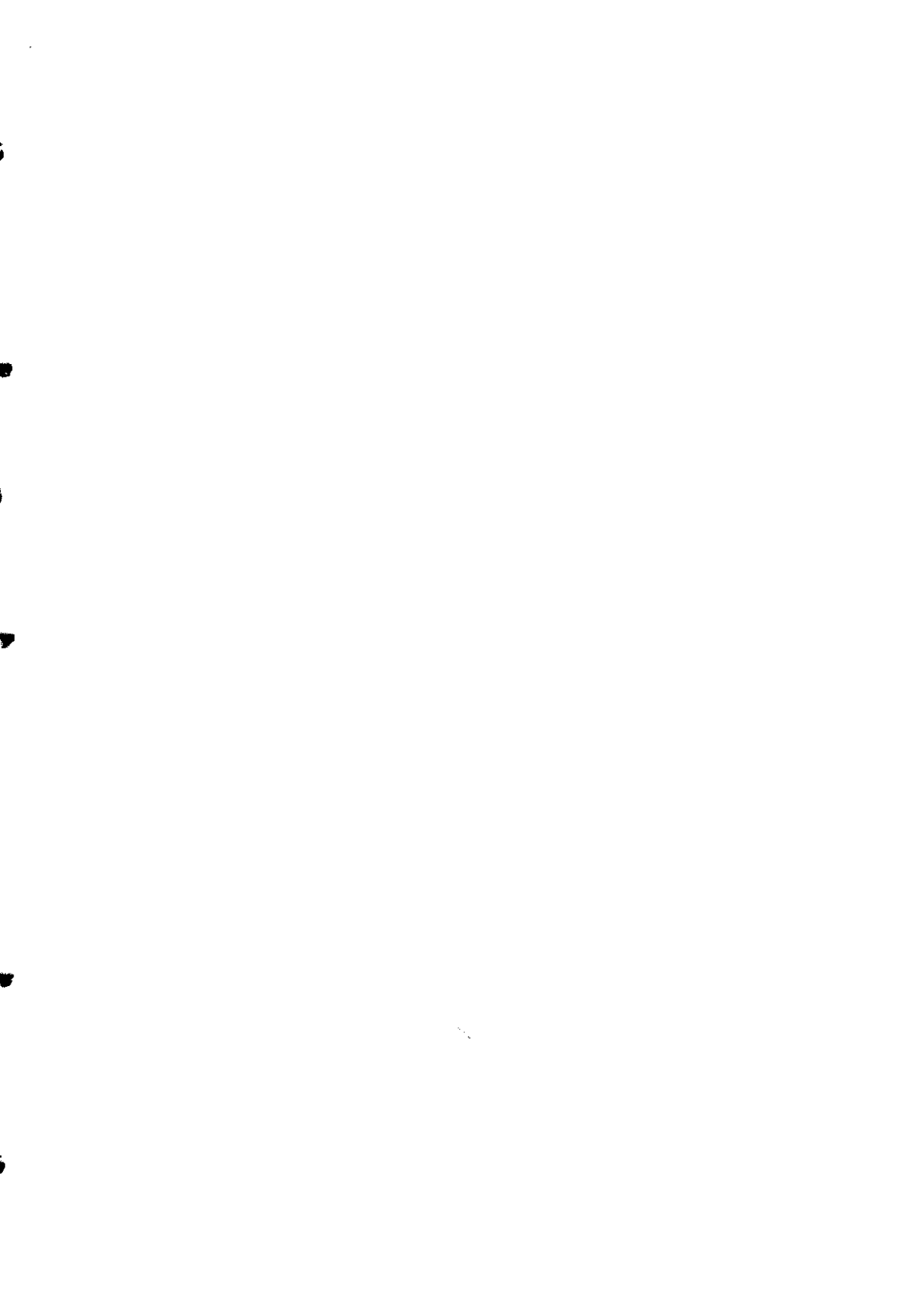


تأثير عوامل جمعيت بر اقتصاد

آذین جباریان



تأثیر قاطع جمعیت در اقتصاد و سیاست کشورها و اوضاع عمومی جوامع از قدیم‌الایام امری شناخته شده بود، ولی در هر زمان این تأثیر به تبعیت از اهداف و آرمانهای جامعه و اوضاع اقتصادی و سیاسی، نظامی و اجتماعی آن متغیر بوده است.

تردیدی نیست که انسان همراه نیازمندیهایش چشم به جهان می‌گشاید و تمام تلاشهای مستمر همه انسانها برای پاسخگویی به همین نیازهاست. اگر مجموع کالاها و خدماتی را که برای تأمین احتیاجات بشر به کار می‌رود امکانات معیشتی یا احتیاجات زندگی بنامیم، انسانهایی که بتوانند در یک جامعه معین با امکانات و منابع موجود با هم زندگی کنند چنان به هم بستگی دارند که تأثیر یکی در دیگری انکار ناپذیر است. هر اندازه که نیروی کار یا جمعیت فعال بالنسبه زیاد باشد، تولید و اقتصاد جامعه ترقی خواهد کرد و اگر جمعیت غیر فعال و خارج از سن اشتغال ازدیاد پیدا کند، میزان وابستگی افزایش می‌یابد. مثلاً در جامعه‌ای که بعد خانواده ۳ است، یعنی بطور متوسط هر خانواده متشکل از پدر، مادر و یک فرزند است، معمولاً ۲ نفر در سن کار قرار دارند و تنها یک نفر نان خور است. برعکس، اگر متوسط بعد خانوار پنج باشد، یعنی پدر، مادر و سه فرزند را در نظر بگیریم، ۲ نفر در سن کار هستند و این دو نفر باید امکانات معیشتی پنج نفر را تأمین کنند. در حالت اول درآمد دو نفر بین سه نفر قسمت می‌شود و در حالت دوم بین پنج نفر، البته این به شرطی است که والدین هر دو شاغل باشند. در جامعه ما بُعد خانوار ۵/۱ نفر است که به طور متوسط ۱/۱ نفر شاغل داشته است، یعنی درآمد حدود یک نفر باید بین پنج نفر تقسیم گردد.

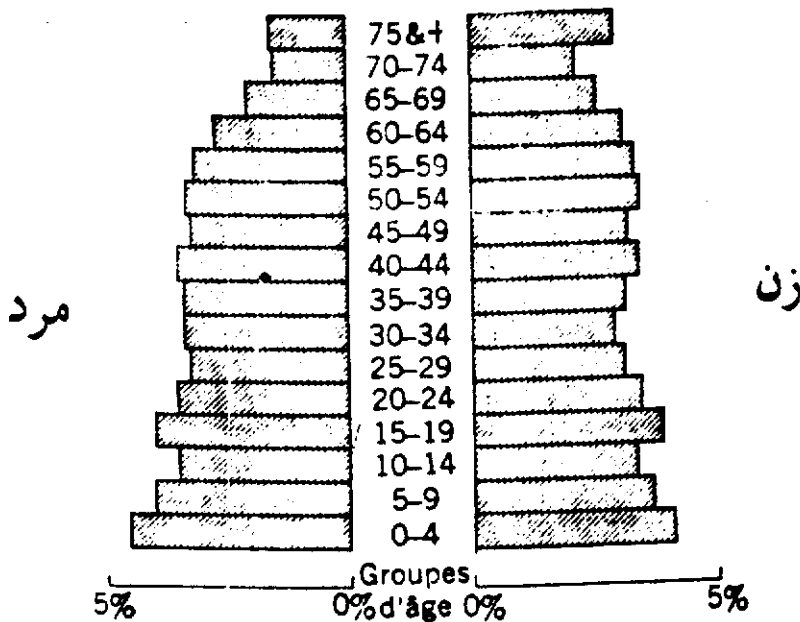
معمولاً در جمعیت شناسی، جمعیتها را به جمعیت جوان که درحال حاضر مختص جهان سوم است، جمعیت سالخورده که غالباً در جوامع صنعتی مشاهده می‌شود، و جمعیت بالغ که حد فاصل این دو است. در بررسیهای جمعیتی، برای نمایش هندسی توزیع جمعیت برحسب سن، نموداری تدوین می‌شود که به هرم سنی معروف است. این هرم دارای دو محور است که محور عمودی آن به سن اختصاص دارد و محور افقی به عده یا درصد افراد مربوط است. بدین ترتیب، هر قدر که از پایه هرم بطرف بالا حرکت کنیم، به سنین بالاتر خواهیم رسید و با کنار هم قرار دادن تعداد جمعیت و سن، شکلی حادث می‌شود که اصطلاحاً هرم سنی نامیده می‌شود.

هرم سنی به اشکال مختلف مشاهده می‌گردد که آنها را به سه دسته می‌توان طبقه‌بندی نمود.

دسته اول مربوط به جمعیت‌هایی است که مرگ و موالید آن تقریباً ثابت است و تکامل جمعیت آن به مرحله‌ی همبندی (توقف) رسیده است پهنای نسبی قسمت فوقانی هرم که نشان‌دهنده امید زندگی قابل ملاحظه‌ای است، آن را به یک مستطیل نزدیک کرده است. این نوع هرم مربوط به جمعیت‌های سالخورده است نمونه هرم سنی انگلستان که ذیلاً نشان داده می‌شود شاهد مناسب این نوع هرم است.

هرم سنی جمعیت انگلستان

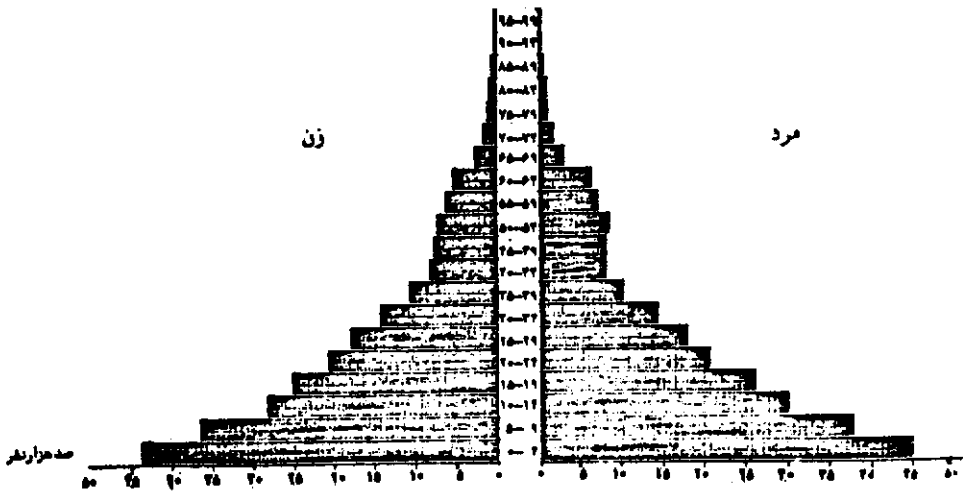
گروه‌های سنی



دسته دوم مربوط به جمعیت‌هایی است که نظم طبقات سنی به علت پنهان و گسترش دامنه یا پایه هرم، که نماینده افزایش سریع جمعیت در سال‌های اخیر و حاکی از ازدیاد طبقه خردسال و جوان نسبت به کل جمعیت و به طبقات دیگر سنی است و در عین حال نشان دهنده تغییرات و تحولات سریع جمعیتی است این نوع هرم بیانگر یک جمعیت جوان است. هرم سنی کشور ما نمونه بارز این نوع جمعیت‌هاست.

هرم سنی جمعیت کشور

گروههای سنی



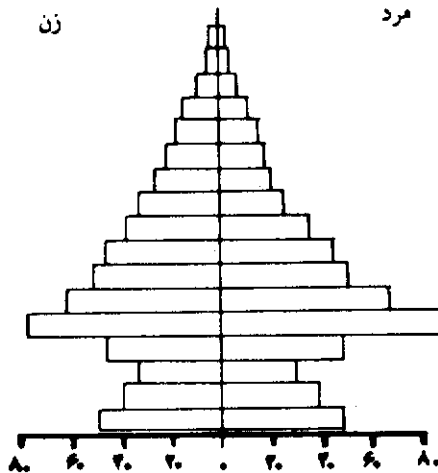
دسته سوم مربوط به جمعیت‌هایی است که در آن کنترل موالید در چند ساله اخیر معمول شده است. در این دسته پایه هرم جمع‌تر از طبقات بالاتر است که معرف عدم توجه به مسئله جمعیت در سنوات قبل و توجه در سالهای اخیر است.

هرم سنی جمعیت ژاپن

سال ۱۳۵۰

گروههای سنی

۸۰ و بیشتر
۷۵-۷۹
۷۰-۷۴
۶۵-۶۹
۶۰-۶۴
۵۵-۵۹
۵۰-۵۴
۴۵-۴۹
۴۰-۴۴
۳۵-۳۹
۳۰-۳۴
۲۵-۲۹
۲۰-۲۴
۱۵-۱۹
۱۰-۱۴
۵-۹
۰-۴



نسبت جوانان به کل جمعیت

اگر جمعیت را به سه دسته تفکیک کنیم که دسته اول شامل افرادی می‌باشد که به سن کار و تولید نرسیده‌اند، یعنی افرادی که سن آنها از بیست سال کمتر است، و دسته دوم شامل افرادی می‌باشد که در سن کار قرار دارند، یعنی افراد ۲۰ تا ۶۰ ساله، و دسته سوم کسانی که سن کار را پشت سر گذاشته‌اند، یعنی افراد مسن‌تر از ۶۰ سال، می‌توان تناسب این گروهها را باهم سنجید.

جدول ۱

نام کشور	درصد جمعیت ۱۴ - ۰ ساله	درصد جمعیت ۶۰ - ۱۵ ساله	درصد جمعیت ۶۰ ساله بیشتر	نرخ رشد
استرالیا	۲۳/۶	۵۷ - ۳۵	۱۲/۸ - ۱۶/۲	* ۱/۳
ایالات متحد	۲۱/۹	۵۶ - ۴۱	۱۴/۰ - ۱۸/۴	./۹
ایتالیا	۱۹/۴		۱۶/۳ - ۲۰/۹	منفی
اسپانیا	۲۴/۳		۱۳/۶ - ۱۷/۸	منفی
انگلستان	۱۹/۵		۱۷/۶ - ۲۳/۷	منفی
آلمان غربی	۱۵/۴	۶۰ - ۳۵	۱۵/۰ - ۲۴/۶	منفی
جمهوری اسلامی ایران	۴۵/۴۵	۴۹/۰۶	۵/۴۳	۳/۲ تا ۲/۷ **

* نرخ رشد بر اثر مهاجرت از خارج
* * درصد در سال بر اساس برآوردهای مختلف

در جمعیت‌شناسی برای جوان بودن جمعیت تعریف می‌کنند این است که اگر بیش از یک سوم جمعیت در سنین زیر ۲۰ سالگی قرار داشته باشد (یعنی بیش از ۳۳ درصد)، این جمعیت یک جمعیت جوان تلقی می‌گردد (جدول ۲).

شاخص دیگر مربوط به افراد کمتر از ۴۰ ساله است که اگر از ۶۵ درصد تجاوز کند جمعیت جوان محسوب می‌شود. شاخص سوم مربوط است به نسبت افراد ۶۰ ساله و بیشتر به کل جمعیت، اگر این نسبت از ۱۲ درصد کمتر باشد جمعیت جوان محسوب می‌شود. این نسبتها در کشور ما به ترتیب برای افراد زیر بیست سال ۵۵/۹۵ درصد و برای افراد زیر ۴۰ سال ۸۲/۰ درصد و برای افراد ۶۰ ساله و بیشتر ۵/۲ درصد است. خوزوئه دوکاسترو در کتاب معروف خود با عنوان جغرافیای گرسنگی ژئوپولیتیک گرسنگی ثابت کرده است که پایین بودن میزان مصرف

پروتئین حیوانی همراه با سایر عوامل فیزیولوژیکی در بین اجتماعات فقیر موجب افزایش موالید و جوانی جمعیت می‌گردد. بنابر عقیده این دانشمندان، از دیدگاه روان‌شناسی، تحریک اشتها و جنسی بر اثر گرسنگی‌های مزمن به وجود می‌آید و در حقیقت عملی است مکانیکی (حیوانی) در زمینه عواطف. روان‌شناسان دیگر نیز متفق‌القولند که در شرایط عادی میان دو غریزه خوردن و تولید مثل نوعی رقابت و مسابقه وجود دارد، هر بار که زمینه برای ارضای یکی از دو غریزه کاسته شود، غریزه دیگر به جنب و جوش و فعالیت می‌پردازد. از آنجایی که گرسنگی مزمن، بخصوص کمبود پروتئین و ویتامینها موجب کم‌اشتهایی به خوراک می‌شود و غریزه خوردن را تضعیف می‌کند، غریزه جنسی مسلط می‌شود و شدت می‌یابد و این خود نوعی تعدیل روانی محسوب می‌شود. علت شهوت پرستی مبالغه‌آمیز برخی از گروههای انسانی ناشی از همین کم‌غذایی مزمن است (جدول ۳).

جدول ۳

نام کشور	میزان خام موالید (در هزار)	میزان خام مرگ و میر (در هزار)	درصد نرخ رشد در سال
ایالات متحده	۱۶	۹	۱/۳ *
اطریش	۱۲	۱۲	منفی
فرانسه	۱۰ - ۱۴	۱۰	منفی
آلمان	۱۰	۱۲	منفی
انگلستان	۱۳	۱۲	منفی
ایتالیا	۱۰	۹ - ۱۰	منفی
ایران	۳۸ تا ۴۲		۲/۷ تا ۳/۲

* این رقم به دلیل مهاجرت بالاتر از رقم رشد طبیعی است.

نتیجه جوان بودن جمعیت و افزایش جوانان

معمولاً اگر جمعیتی جوان باشد، یعنی اکثریت افراد آن را کودکان و خردسالان تشکیل دهند، چند پیامد مهم جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت:

۱ - کثرت جوانان در ترکیب و ساختار جمعیت موجب تغییرات سریع جمعیتی و مسئله مازاد جمعیت خواهد شد. در این شرایط یک کشور مجبور است طبقه جوان خود را که نیروی کار بالقوه جامعه هستند و حدود بیست سال برای آنها هزینه هنگفتی صرف کرده است، به رایگان از دست بدهد مهاجرت به خارج از وطن را تشویق کند. اشتغال بیش از دو میلیون ترک در آلمان یا بیش از چهار صد هزار الجزایری در فرانسه ناشی از همین امر است. این جوانان به جای اینکه در سازندگی

و تولید کشور خود سهم گردند، نتیجه فعالیت خود را بناچار در اختیار سایر جوامع قرار می‌دهند چرا که در غیر این صورت کشور باید شاهد گسترش سریع طبقه محروم و نیازمند باشد.

۲ - نتیجه افزایش خردسالان از نظر اقتصادی مسائل و مشکلات عدیده تعلیماتی و آموزشی، اشتغال، مسکن، رفاه اجتماعی و بالاخره تحمیلات اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. ایجاد شغل جدید برای کسانی که به سن فعالیت رسیده‌اند، الزاماً موجب سرمایه‌گذاریهایی کلان در زمینه‌های " شغلی " با بهره‌وری پایین خواهد شد و در نتیجه اقتصاد این جوامع به جای رونق با رکود قطعی روبرو خواهد شد. از جمله در بخش کشاورزی ناچار خواهند شد همه ساله علاوه بر ایجاد اشتغال، زمینهای زیرکشت جدیدی پیدا کنند. در جوامع جهان سوم، بخش اعظم زمینهای مرغوب قبلاً مورد استفاده قرار گرفته است و افزایش زمینهای زیرکشت جدید خود مستلزم ایجاد سدها، شبکه‌های آبیاری، تسطیح زمین، تغییر جنس خاک و دهها مسئله دیگر و خلاصه سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای می‌شود، و در صورت عدم توفیق کامل در زمینه مشکلات اقتصادی و اجتماعی، آثار کمبود مواد غذایی، ناآرامی‌های اجتماعی و صرف درآمدهای کشور در زمینه‌های کم بازده ظاهر می‌شود و بتدریج استقلال اقتصادی و بدنبال آن استقلال سیاسی نیز از دست می‌رود و حتی ناگزیر باید منابع خود را به ثمن بخش فروخت تا نیازهای روزمره جمعیت را آن هم به صورت ناقص و به قیمت گزاف آلودگی محیط زیست، نابودی منابع، افزایش بیماری و نابودی اخلاق اجتماعی و دهها مسئله دیگر تأمین کرد. یکی از علل ایجاد این پیامدها این است که نارضایتی جوانان بیکار و والدین خردسالان گرسنه و فاقد پوشاک و مسکن، متولیان امور را ناچار از اتخاذ تصمیمات شتابزده برای رفع نیازهای روزمره می‌کند. و باتوجه به احساسات جوانان، جامعه جوان مناسبترین میدان تبلیغات سوء و در دسرهای پایان ناپذیر استعمارگران برای مسئولان جامعه می‌گردد.

۳ - جوانگرایی بیشتر جمعیت زمینه ساز اصلی مفاسد اجتماعی است. انسان برای نیل به کمال، علاوه بر نیازهای اولیه محتاج تربیت است و چون کثرت خردسالان و جوانان تعادل بین امکانات و نیازها را برهم می‌زند، جامعه قادر به تربیت انبوه خردسالان خود و اجتماعی کردن آنها نمی‌گردد، در نتیجه، این گروه به شدت آسیب پذیر می‌شود و به مفاسد اجتماعی از قبیل اعتیاد به مواد مخدر، قاچاق فروشی و انحراف اجتماعی دیگر از قبیل جرم و جنایت کشیده می‌شود.

مهاجرت اضطراری روستاییان

جوانی بیشتر در مناطق روستایی موجب می‌شود که همه ساله انبوهی از روستاییان جوان که امکان اعاشه در محل پیدا نکرده‌اند به شهرها مهاجرت کنند. باتوجه به محدودیت اراضی زیر کشت آبی، که متوسط آن در سطح کشور کمتر از ۲ هکتار برای هر کشاورز است، زارعی که دارای ۴ فرزند ذکور باشد و بخواهد که زمین خود را بین آنان تقسیم کند به هر نفر تنها نیم هکتار زمین خواهد رسید. این مقدار نیازهای کشاورزی یک نفر را در سطح حداقل معیشت تأمین خواهد کرد. و اگر عائله‌مند باشد خود او باید مواد غذایی مورد نیاز عائله‌اش را خریداری کند. در نسل بعدی این نیم

هکتار به ۱۲۵۰ مترمربع تقلیل خواهد یافت. هیچ کس انتظار ندارد که فردی با در اختیار داشتن این مقدار زمین کشاورزی بتواند امکانات زندگی یک خانواده کثیرالاولاد را تأمین کند و چون منبع درآمد دیگری نیست تا جوابگوی احتیاجات این کشاورزی و اعضای خانواده‌اش باشد، چاره‌ای جز مهاجرت نمی‌ماند. این شهرها و شهرهای بزرگ که منابع و افراد دهات سراسر جهان را به خود جلب می‌کنند، اولین مقصد این مهاجران را تشکیل می‌دهند، در نتیجه اذهان جوانان روستایی متوجه جاذبه‌های نقاط شهری می‌گردد.

بررسیهای انجام شده نشان می‌دهند که یکی از مهمترین علل مهاجرت روستاییان عامل اقتصادی است. در نتیجه جمعیت مهاجر روستایی اکثرأ از جوانان تشکیل می‌گردد. تداوم این مهاجرتها همواره موجب ایجاد آلونک نشینی در حاشیه شهرهای بزرگ می‌شود که غالباً چهره ناپسندی از ناهماهنگی‌ها را در معرض دید قرار می‌دهد و موجب برخی نارضایتیها و ناآرامیهای اجتماعی می‌گردد.